

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۹۳

صفحات: ۲۹-۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۲/۶- تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۱۱

سیمای حضرت فاطمه زهرا (س) از دیدگاه عرفانی امام خمینی (ره)

اکرم بهلولی*
علی یار حسینی**

چکیده

امام خمینی (ره) در مورد اسرار وجودی حضرت فاطمه زهرا (س) حقایق را بیان نمودند که در آموزه‌های دینی و عرفانی به آن حقایق اشاره گردیده است. امام خمینی (ره) فاطمه زهرا را تجلی گاه همه‌ی کمالات انسانی و در واقع موجودی ملکوتی می‌داند که به صورت انسان در عالم ملک ظهور کرده است؛ زیرا آن حضرت پاره‌ی وجود کسی است که برجسته‌ترین نمونه‌ی «کون جامع» است، به گونه‌ای که وقتی در مدار طبیعت و فراطبیعت اوج می‌گیرد نه تنها مراتب ملک را زیر پا می‌گذارد، بلکه آفاق ملکوت را نیز پشت سر می‌اندازد و در والاترین افق شهود، به دیدار معبود باز می‌یابد. لذا امام خمینی (ره) به عنوان اسلام‌شناس جامع و فیلسوفی ژرف‌نگر و عارفی حقیقت بین، حضرت فاطمه زهرا (س) را معجزه‌ی تاریخ و افتخار عالم وجود معرفی نمودند، که تمام هویت انسانی در او جلوه‌گر شده است؛ به گونه‌ای که از ایشان به عنوان برترین الگوی معرفت، تقوا، علم آموزی، ولایت‌مداری، ساده‌زیستی و تربیتی نام برده‌اند.

کلید واژگان: حضرت فاطمه زهرا (س)، امام خمینی (ره)، عرفان.

* کارشناسی ارشد عرفان اسلامی، دانشگاه آزاد، واحد اهواز، گروه عرفان اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)

bohoulouli 1253@yahoo.com

** استادیار، دانشگاه آزاد، واحد اهواز، گروه عرفان اسلامی، اهواز، ایران. hoseini.mis@gmail.com

مقدمه

حضرت فاطمه زهرا (س)، دختر خاتم النبیین، همسر امیرالمؤمنین، مادر حسن و حسین (صلوات الله علیهم) است. با وجود این که این جایگاه، افتخار بسیار بزرگی برای فاطمه زهرا (س) محسوب می شود، اما هرگز نباید کمال آن حضرت را در این گونه نسبت ها جست و جو کرد؛ زیرا فرزند پیامبر اکرم بودن، همسری امیرمؤمنان و مادر امام معصوم بودن اختصاص به حضرت زهرا ندارد؛ در حالی که هیچ کدام از فرزندان پیامبر، همسران علی (ع) یا مادران امامان (ع) به مقام بلند حضرت زهرا (س) نمی رسند و اساساً قابل مقایسه با آن حضرت نیستند. چرا که حضرت فاطمه زهرا (س) بانوی مکرمه، بانوی نمونه ی اسلام است و از هر جهت مورد تأیید خدا و قرآن و پیامبر (ص) است. در میان تمامی زنانی که به فرقه ها و گروه های مختلف منسوب هستند، حضرت فاطمه ی زهرا (س) ممتاز تر و کاملاً مورد تأیید خدا و قرآن و پیغمبر اکرم (ص) است. بنابراین فضایل و کمالات حضرت فاطمه ی زهرا را باید در وجود متعالی خود آن حضرت جست و جو کرد.

گفت و گوهای حضرت فاطمه (س) با فرشتگان

از جمله امتیازاتی که در عرفان امام خمینی برای حضرت زهرا (س) بیان شده است، می توان به گفت و گوهای جبرئیل با آن حضرت اشاره کرد. امام خمینی با استناد به روایتی در این باره می گوید:

«فاطمه (سلام الله علیها) بعد از پدرش ۷۵ روز زنده بودند... و حزن و شدت بر ایشان غلبه داشت و جبرئیل امین می آمد خدمت ایشان و به ایشان تعزیت عرض می کرد و مسائلی از آینده نقل می کرد. ظاهر روایت این است که در این ۷۵ روز... رفت و آمد جبرئیل زیاد بوده است... مسأله آمدن جبرئیل برای کسی یک مسأله ساده نیست... این یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل می خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است... تا تناسب ما بین روح این کسی که جبرئیل می آید پیش او و بین جبرئیل که روح اعظم است نباشد امکان ندارد این معنا و این تناسب بین جبرئیل که روح اعظم است و انبیای درجه ی اول بوده است، مثل رسول خدا، موسی، عیسی، ابراهیم و امثال این ها... در هر صورت من این شرافت و فضیلت را از همه ی فضایی که برای حضرت زهرا ذکر کرده اند... بالاتر از همه می دانم که... برای طبقه ی بالای انبیا (علیهم السلام) و بعضی از اولیایی که در رتبه ی آن ها هست، برای کس دیگر حاصل نشده... و این از فضایی است که از مختصات حضرت صدیقه (سلام الله علیها) است.» (امام خمینی، ۱۳۷۹ ش، ج ۲۰، ۶-۴)

در این کلام به نکته های عمیقی درباره ی فاطمه ی زهرا (س) اشاره شده که به اختصار بیان می شود:

نکته اول: نخست لازم است اشاره شود که نزول جبرئیل و فرشته های الهی برای ابلاغ پیام و بیان کردن حقایق غیبی و بر اساس مأموریت الهی صورت می گیرد؛ زیرا چنان که قرآن کریم می فرماید، خداوند با بندگان خود به یکی از این سه روش سخن می گوید: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ» (سوره شوری، آیه ۵۱) هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید، جز از راه وحی یا از فراسوی حجابی، یا فرستاده ای را بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید؛ آری او است بلند مرتبه ی

سنجیده کار.

در این آیه کلمه ی «بشر» مطلق است و شامل غیر پیامبران خواهد شد و هم چنین مسأله «تکلم» و سخن گفتن نیز مطلق است. به همین علت شامل کلام غیر تشریعی هم می شود. هم چنان که واژه ی «وحی» اختصاص به وحی تشریعی ندارد؛ لذا در قرآن در موارد بسیاری واژه ی «وحی» در غیر موارد تشریعی به کار رفته است؛ از جمله فرمود: «وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (سوره قصص، آیه ۷) به مادر موسی وحی کردیم که او را شیرده و چون بر او بیمناک شدی او را در نیل بینداز و نترس و اندوه مدار که ما او را به تو باز می گردانیم و از زمره ی پیغمبران قرار می دهیم.

بنابراین از آیه ی بیان شده این گونه به دست می آید که سخن گفتن خدا اختصاص به پیامبران ندارد، بلکه معصومین نیز می توانند به طور غیرمستقیم و از طریق فرشتگان با خداوند ارتباط برقرار نموده و خداوند با آن ها سخن بگوید و هم چنین آمدن فرشته به حضور انسان کامل -نظیر فاطمه ی زهرا (س)- هیچ محدودیتی ندارد، بلکه براساس آموزه های دینی واقع شده است؛ چنان که در برخی روایات نقل شده که فرشتگان، سلام خداوند را به حضرت فاطمه ی زهرا (س) ابلاغ می کردند.

چنان که امام صادق (ع) می فرماید: «فاطمه ی زهرا (س) بعد از پیامبر هفتاد و پنج روز زنده بود و مرگ پدرش او را دچار اندوه شدید کرده بود. جبرئیل نزد او می آمد و او را در مرگ پدرش نیکو تعزیت می گفت و فاطمه را بایان مقام و منزلت پیامبر (ص) شاد می ساخت و از حوادث پدید آمده بر فرزندانش او را خبر می داد و علی (ع) آن ها را می نوشت.» (کلینی رازی، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ۳۵۵، ح ۱)

نکته ی دوم: مسأله ی گفت و گوی فرشته ها با حضرت فاطمه ی زهرا (س) که در عرفان امام خمینی نیز به آن اشاره شده و مورد تأکید قرار گرفته است، در آموزه های دینی نیز مطرح و به آن توجه شده است.

امام باقر (ع) فرمود: وقتی خداوند اراده کرد که مصحف فاطمه را به او عنایت کند، دستور داد جبرئیل، میکائیل و اسرافیل آن مصحف را بردارند و نزد فاطمه ببرند. آن ها در یکی از شب های جمعه هنگام سحر بر حضرت فاطمه نازل شدند و دیدند که فاطمه مشغول نماز است؛ آن ها ایستادند تا نماز تمام شد، آن گاه دسته جمعی به حضرت فاطمه سلام کردند و گفتند: خداوند به شما سلام می رساند. بعد کتاب مصحف را در حجره ی آن حضرت گذاشتند. حضرت زهرا (س) خطاب به فرشته ها فرمود: سلام از آن خداوند است و از خدا و رسول خدا است و بر شما فرستادگان خدا سلام و درود باد. (طبری، ۱۴۱۳ ق، ۱۰۶)

در روایتی از امیرمؤمنان (ع) آمده است: فاطمه ی زهرا (س) در شب شهادت خود فرمود: «و علیکم السلام» و آن گاه به من گفت: «یا بن عم، قد اتانی جبرئیل مسلماً و قال لی: السَّلامُ یَقْرَأُ عَلَیْكَ السَّلامُ یا حَبِیبَهُ حَبِیبَ اللَّهِ وَ ثَمَرُهُ فَوَّادَةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ۲۰۹) ای پسر عمو، هم اینک جبرئیل نزد من آمد و سلام کرد و گفت: خداوند که یکی از نام های او «سلام» است به تو سلام می رساند؛ ای حبیب، حبیب خدا و میوه ی دل او.

نکته ی سوم: از روایات گفته شده این گونه استنباط می شود که آمدن جبرئیل و یا فرشتگان دیگر به حضور حضرت فاطمه ی زهرا حقیقتی بس آشکار است؛ اما پرسش این است که آیا فاطمه ی

زهرا (س)، جبرئیل و یا دیگر فرشتگان را که به حضور او می آمدند مشاهده می کرد یا فقط صدای آن ها را می شنید و حقایق را از آن ها دریافت می کرد؟ در پاسخ باید گفت، از آن جا که یکی از اسامی حضرت فاطمه (س) «محدثه» است. از امام صادق (ع) نقل شده است که حضرت فاطمه (س) به این جهت «محدثه» نامیده شده است که فرشته ها از آسمان نزد او می آمدند و با او سخن می گفتند؛ آن گونه که مریم دختر عمران را ندا می کردند. (طبری، ۱۴۱۳ ق، ۸۱)

یکی از شارحان اصول کافی بر اساس این گونه روایات، «محدث» را کسی می داند که از تعلیم باطنی فرشته برخوردار باشد ولی شخص فرشته را نمی بیند. (ملاصدرا، ۱۳۷۰ ش، ۴۵۰) اما در آثار عرفانی امام خمینی (ره) برای حضرت فاطمه ی زهرا (س) مقام بالاتری بیان شده است. چنان که می فرماید:

گمان ندارم که غیر از طبقه ی اول از انبیای عظام درباره ی کسی این طور وارد شده باشد که در ظرف ۷۵ روز، جبرئیل امین رفت و آمد داشته است... حق درباره ی ائمه هم من ندیده ام که وارد شده باشد این طور که جبرئیل بر آن ها نازل شده باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۹ ش، ج ۲۰، ۴-۵)

از دیدگاه امام، مسأله ی نزول فرشته نزد حضرت فاطمه ی زهرا (س) فراتر از بحثی است که برای «محدث» مطرح شده است. بنابراین می توان گفت فاطمه ی زهرا (س) هم «محدثه» بوده، یعنی صدای فرشته ها را می شنیده است و هم بالاتر از آن، شخص فرشته را نیز می دیده است. این برداشت را روایاتی که بیان شد به خوبی تأیید می کنند.

نکته ی چهارم، در این جا پرسش دیگری مطرح می شود که آیا فاطمه ی زهرا (س) از این نظر که فرشتگان را می دیده، از ائمه (علیهم السلام) برتر است؟

در پاسخ باید گفت، حضرت زهرا (س) از منظر یاد شده هیچ برتری بر امیرمؤمنان (ع) ندارد، چرا که حضرت امیر (ع) نیز فرشته ها را می دیده است؛ لذا می فرماید، رسول خدا (ص) به من فرمود: «یا بُتیه، لک رَقَّةُ الْوَلَدِ، وَ عَلٰی أُعْزَرَ عَلٰی مِنْکَ»؛ (محمّدی ری شهری، ۱۴۲۱ ق، ج ۸، ۷۴) ای فرزندم، نسبت به تو محبت و عاطفه ی فرزندی در من وجود دارد، اما علی (ع) نزد من از تو عزیزتر است.

پس می توان با توجه به روایات بیان شده گفت که فاطمه ی زهرا نسبت به حضرت علی (ع) هیچ فضیلت و برتری ندارد؛ ولی نسبت به ائمه و فرزندان معصومش، فضیلت دارد؛ در روایتی از امام حسن عسکری (ع) آمده است:

«نحن حجج الله علی خلقه، وجدّتنا فاطمه حجة علینا»؛ ما همه حجّت خدا بر مردم و جدّه ما فاطمه حجّت خداوند بر ما است.

یکی از بزرگان با استناد به این حدیث می گوید: پس از مقام پیامبر و علی، فاطمه افضل از تمام انبیا و اولیا است. (طیب، ۱۳۹۳ ق، ج ۱۳، ۲۲۵)

نکته ی پنجم: بر اساس روایات و کلام امام خمینی، به دست می آید که «مصحف فاطمه» حاصل ملاقات ها و گفت و گوهای فاطمه ی زهرا با فرشته ها است. اما نکته ی مهم این است که بدانیم «مصحف فاطمه» چیست و چه حقایقی در آن مطرح شده است؟

می توان با توجه به روایات بیان کرد که «مصحف فاطمه» کتابی است که تمام حوادث، پیشامدها

و اخبار آینده در آن ثبت شده است.

ابا بصیر می گوید: «از امام باقر و امام صادق (ع) درباره ی «مصحف فاطمه» پرسیدم، آن ها فرمودند:

در مصحف فاطمه تمام اخبار و حوادث گذشته و آینده تا روز قیامت بیان شده است و همه ی خبرهای آسمانی و عدد فرشته ها، تعداد انبیا و غیرانبیا، نام های آنان، اسم کسانی که از انبیای الهی پیروی کرده اند و افرادی که آن ها را تکذیب نمودند، اسم همه ی مؤمنان و کافران از اول تا آخر خلقت، اسم شهرها و وصف آنها که در شرق و غرب عالم است و تعداد مؤمنین و کافران که در آن شهرها زندگی می کنند، هم چنین اسماء ائمه و صفات آنان و نیز صفات اهل بهشت و تعداد کسانی که وارد آن می شوند و شمار افرادی که وارد جهنم می شوند و نام های آن ها و علم همه کتاب های آسمانی که نازل شده است و تعداد درخت ها و سنگ ریزه هایی که در شهرها وجود دارد؛ همه در «مصحف فاطمه» آمده است.»

ابا بصیر در ادامه می گوید: «از امام (ع) سؤال کردم که مصحف فاطمه پس از او به چه کسی داده شد؟ حضرت فرمود: مصحف فاطمه در دست امیرمؤمنان (ع) بود؛ پس از او به امام حسن، سپس به امام حسین (علیه السلام)، بعد نزد اهلش، تا این که به دست صاحب این امر برسد.» (طبری، ۱۴۱۳ ق، ۱۰۶-۱۰۵)

بنابراین همه ی حوادث کلی و جزئی عالم تا روز قیامت در آن «مصحف» ثبت شده است؛ لذا امام خمینی با توجه به این روایات می فرماید:

«آن که من دیده ام که جبرئیل به طور مکرر در این ۷۵ روز وارد می شده و مسائل آتیه ای که بر ذریه ی او می گذشته است، آن مسائل را می گفته است و حضرت امیر هم ثبت می کرده است. شاید یکی از مسائلی که گفته است راجع به مسائلی است که در عهد ذریه ی بلند پایه ی او حضرت صاحب (سلام الله علیه) است برای او ذکر کرده است که مسائل ایران جزو آن مسائل باشد؛ ما نمی دانیم، ممکن است.» (امام خمینی، ۱۳۷۹ ش، ج ۲۰، ۵)

امام خمینی به دلیل اهمیت «مصحف فاطمه» از آن به عنوان یکی از افتخارات جهان اسلام و شیعه یاد کرده و در وصیت نامه ی الهی-سیاسی خود گفته است:

ما مفتخریم که... صحیفه ی فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است، از ما است. (امام خمینی، ۱۳۷۹ ش، ج ۲۱، ۳۹۶)

نکته ی ششم: نزول فرشته ها به معنای تجلی وجودی بر قلب انسان کامل است. (حسن زاده آملی، ۱۳۷۵ ش، ۲۷۰) پس نزول فرشته در محضر انسان های کامل به این معنا است که به دلیل تکامل روح انسانی زمینه ای فراهم می شود تا موجودی که دارای تجرد عقلی است، همانند نور خورشید بر صفحه ی آینه قلب آن شخص بتابد. این تابش در صورتی امکان پذیر است که قلب انسان از گرد و غبار کثرت ها و حجاب های گوناگون منزّه باشد. (ملاصدرا، ۱۳۶۳ ش، ۵۰۸)

به همین دلیل امام خمینی بیان داشتند که نزول جبرئیل مسأله ی ساده ای نیست و باید تناسبی بین روح انسان و جبرئیل برقرار باشد تا روح الهی به حضور او بیاید. این تناسب برای روح فاطمه وجود داشته؛ لذا جبرئیل به محضر او آمد و فرشته های الهی «مصحف» را تقدیم او نمودند.

درک و پذیرش این حقیقت بر اساس مبانی بزرگان اهل حکمت و معرفت به آسانی امکان پذیر

خواهد بود؛ زیرا به اعتقاد آن‌ها جبرئیل بر نفس ناطقه - که حقیقت قلب انسان کامل است - نازل می‌شود و پس از تجلی بر قلب، سایر قوای خیالی و حسی تمثیل جلوه‌ی او را درک می‌کنند؛ سپس برای حواس ظاهری، به خصوص چشم و گوش که لطیف‌ترین حواس ظاهری است، متمثل می‌شود و انسان کامل، شخص محسوسی را در برابر خود مشاهده می‌کند و کلمات زیبا و معارف غیبی را از او می‌شنود و از این طریق معارف الهی و حقایق غیبی نصیب او می‌شود. (ملاصدرا، ۱۳۶۳، ۵۰۳؛ لاهیجی، ۱۳۷۲ ش، ۲۵۷)

با توجه به این مطالب، معارف و حقایق غیبی و پیشامدهای آینده از طریق تجلی جبرئیل و فرشته‌های الهی، بر قلب مبارک حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) جلوه کرد و به صورت کتابی مدون به نام «مصحف فاطمه» در اختیار ائمه (علیهم السلام) قرار گرفت. در روایات آمده است که ائمه (علیهم السلام) گاهی برخی از حقایق غیبی را برای اصحاب خود مطرح می‌کردند و می‌فرمودند که این مطلب در «مصحف فاطمه» آمده است. (کلینی رازی، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ۳۴۴) استناد نمودن ائمه (علیهم السلام) به «مصحف فاطمه» خود بهترین دلیل بر عظمت فاطمه و آن صحیفه‌ی نورانی است.

فاطمه، موجود ملکوتی و جامع تمام کمالات انسانی

انسان کامل به علت این که مظهر تمام اسماء و صفات الهی است، تجلی گاه همه‌ی کمالاتی است که نه برای انسان، بلکه برای تمام موجودات امکانی قابل تصور است؛ به همین سبب از انسان کامل به «کون جامع» یاد می‌شود. انسان کامل جامع جمیع عوالم وجود است. (جامی، ۱۳۷۰ ش، ۶۴-۶۱)

با این نگاه عرفانی می‌توان گفت: فاطمه‌ی زهرا (س) به عنوان یکی از مصادیق بارز انسان کامل، تجلی گاه همه‌ی کمالات انسانی و در واقع موجودی ملکوتی است که به صورت انسان در عالم ملک ظهور کرده است. این مسأله در عرفان امام خمینی به زیبایی بیان شده است؛ ایشان می‌فرماید:

«تمام ابعادی که... برای یک انسان متصور است، در فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) جلوه کرده و بوده است؛ یک زن معمولی نبوده است... یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه‌ی انسانیت... او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است؛ بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است... تمام هویت‌های کمالی که در انسان متصور است... در این زن است... زنی که تمام خاصه‌های انبیا در اوست؛ زنی که اگر مرد بود نبی بود... معنویات، جلوه‌های ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های ملکی و ناسوتی - همه - در این موجود مجتمع است. (امام خمینی، ۱۳۷۹ ش، ج ۷، ۳۳۷)

اگر امام خمینی از حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) به عنوان انسانی ملکوتی که جامع همه‌ی کمالات انسانی و صفات انبیا است یاد کرده‌اند، مراد آن است که حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) ملک و ملکوت و کمالات عالم وجود را به نحو کامل دارا بوده‌اند؛ زیرا آن حضرت پاره‌ی وجود کسی است که برجسته‌ترین نمونه‌ی «کون جامع» است، به گونه‌ای که از یک طرف همراهی او با مردم در طبیعت مایه شگفتی برخی می‌شد و با تعجب می‌گفتند: مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي

الأسواق؛ (سوره فرقان، آیه ۷) این پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟! از طرف دیگر چنان اوج می گیرد که نه تنها مراتب ملک را زیر پا می گذارد، بلکه آفاق ملکوت را نیز پشت سر می اندازد و در بالاترین افق شهود، به دیدار معبود می شتابد. وَهُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَى. ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى. فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى؛ (سوره نجم، آیات ۹-۷) در حالی که او در افق اعلی بود، پس نزدیک آمد و نزدیک تر شد، تا فاصله اش به قدر طول دو انتهای کمان یا نزدیک تر شد.

حضرت امام خمینی (ره)، فاطمه را موجودی ملکوتی و جبروتی می داند که به صورت انسان ظاهر شده است. در تحلیل این بیان باید گفت که: از دیدگاه عرفانی، انسان کامل اگر مرد باشد مظهر و صورت عقل کل است و اگر زن باشد مظهر و صورت نفس کل است؛ از این رو امیر مؤمنان را مظهر و صورت عقل کل و فاطمه ی زهرا را مظهر و صورت نفس کل می گویند. (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹ ش، ۱۱۹)

عقل کل در واقع تعبیه دیگری از عقل اول و حقیقت محمدیه است که در آموزه های دینی از آن به نام «القلم» یاد شده و موجود عقلی و واسطه ی بین خدا و خلق است. اما نفس کل، حقیقتی است که در معارف دینی از آن به «لوح» تعبیر شده و عبارت از جوهر نفسانی و فرشته ی مجردی است که همه ی علوم و حقایقی را که از عقل کل و قلم بر او افزوده می شود پذیراست و کلام خداوند را از این طریق می شنود. برخی از عرفا «نفس کل» را عبارت از لوح محفوظ، لوح قَدَر و کتاب مبین دانسته اند. پس بنابراین حضرت فاطمه ی زهرا (س) مظهر این حقیقت است، به همین دلیل در برخی از آثار عرفانی این چنین آمده که: درود خدا بر آن پاکیزه جوهر قدسی باد که با تجرد قدسیه در هیأت و صورت انسیه، عالم بشریت را زینت داد؛ آن حقیقت طاهره خود، صورت نفس کل و افزوده از عالم عقلی است که به صورت بشر تجلی کرده و پاره ای از حقیقت احمدی و مشرق انوار علوم علوی و سرچشمه ی اسرار فاطمی است؛ او نجات دهنده ی دوستانش از آتش است؛ آن جوهر قدسی میوه ی درخت معرفت و یقین و سترگ و سیده ی زنان عالم است؛ منزلت و فضایل او معروف، اما مرقد و مدفن او نامعلوم است؛ نور دیده ی رسول، زهرای بتول، علیها الصلاه و السلام. (خلخالی، ۱۳۸۳ ش، ۸۶-۸۵)

فاطمه (س) معجزه ی تاریخ و افتخار هستی و عالم وجود

یکی از اسرار وجودی حضرت فاطمه ی زهرا (س) که امام خمینی (ره) به آن اشاره نمودند آن است که فاطمه (س) معجزه ی تاریخ و افتخار عالم وجود است. امام خمینی (ره) در این رابطه می فرماید: «روز بیستم جمادی الثانی... روز پرافتخار ولادت زنی که از معجزات تاریخ و افتخارات عالم وجود است.» (امام خمینی، ۱۳۷۹ ش، ج ۱۶، ۱۹۲) «یک زن در دنیا آمد که مقابل همه ی مردان است؛ یک زن به دنیا آمد که نمونه ی انسان است؛ یک زن به دنیا آمد که تمام هویت انسانی در او جلوه گر است.» (امام خمینی، ۱۳۷۹ ش، ج ۷، ۳۴۱)

«معجزه ی تاریخ و افتخار عالم وجود» از واژه های پرمعنایی است که در بیان حضرت امام خمینی (ره) آمده و تنها درباره شخصیت انسان کامل و در مقام تبیین کمالات وجودی او مصداق پیدا می کند. در معارف دینی از برخی از زنان عالم به عنوان زنان نمونه و زنان برتر نام برده شده است؛ قرآن کریم درباره ی مریم می گوید: «وَإِذَا قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ

وَطَهَّرَكَ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۴۲) ای مریم، خداوند تو را برگزید و پاک ساخت و تو را بر زنان جهان برتری داده است.

هم چنین در برخی از آیات و روایات از آسیه دختر مزاحم و خدیجه دختر خویلد و... به عنوان زنان نمونه یاد شده است. پرسش این است با وجود این که زنان برتر دیگری در تاریخ بوده اند چرا از حضرت فاطمه (س) به عنوان «معجزه ی تاریخ و افتخار عالم وجود» نام برده اند؟

در پاسخ باید گفت: برخی از صفات حضرت مریم چون «صفوه الله» و مطهره و محدثه که در آیه ی یاد شده آمده اختصاصی به او ندارد ولی همه ی این صفات در حضرت فاطمه (س) وجود دارد.

اما صفتی که در قسمت آخر این آیه آمده است، یعنی وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ اشاره به این است که از میان زنان عالم، مریم برگزیده شد تا بدون داشتن همسر حضرت مسیح از او متولد شود. (طباطبایی، ۱۳۶۶ش، ج ۳، ۲۰۵؛ قمی، ۱۳۸۷ش الف، ج ۱، ۱۰۲)

بنابراین صفت آخر، برای بیان امتیاز و برتری او نیست. دیگر این که براساس پاره ای از روایات، فرشتگان به حضور حضرت فاطمه (س) آمدند و به آن حضرت گفتند: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكَ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» خداوند تو را برگزید و پاکیزه قرار داد و بر همه ی زن های عالم برتری داده است. حضرت فاطمه در پاسخ فرشته ها فرمود: «أَلَيْسَتِ الْمُفَضَّلَةُ عَلَى نِسَاءِ

الْعَالَمِينَ مَرِيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ؟ آیا مریم دختر عمران برگزیده ی زن های عالم نیست؟ فرشته ها گفتند: «إِنَّ مَرِيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةً نِسَاءِ عَالَمُهَا؛ وَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَكَ سَيِّدَةً عَالَمِكَ وَ سَيِّدَةً نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ» مریم سیده ی زن های عصر خود است، شما سیده ی عصر خود و تمام زن های اول و آخر هستید. (طبری، ۱۴۱۳ق، ۸۱)

و هم چنین غیر از حضرت فاطمه ی زهرا (س)، از زن های دیگری نظیر آسیه، خدیجه و مریم به عنوان زن نمونه و برتر یاد شده است، که ممکن است در میان آن ها هم تفضّل و برتری وجود داشته باشد؛ لذا حضرت فاطمه از بین زنان برتر و نمونه، برگزیده و ممتاز است و این حقیقت در معارف دینی بیان شده؛ رسول خدا (ص) فرمود: چهار زن سیده ی عالم خود هستند. مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد (ص) و افضل آن ها در عالم فاطمه است. (سیوطی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ۱۹۴)

پس این تعبیر قرآن که وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ به معنای برتری مریم بر فاطمه نیست؛ به ویژه آن که در قرآن موارد دیگری نیز آمده که به معنای برتری مطلق نیامده است؛ مثلاً خداوند خطاب به بنی اسرائیل فرمود:

وَ أَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ؛ (سوره بقره، آیه ۴۷) من شما را بر جهانیان برتری دادم.

اما این آیه هرگز به معنای فضیلت بنی اسرائیل بر مسلمان ها نیست. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ۴۹) فضیلتی که در این آیه برای حضرت مریم بیان شده به معنای برتری مطلق او حتی بر حضرت فاطمه (س) نیست.

پس با توجه به مطالب ذکر شده مثل و مانند فاطمه در تاریخ نیامده و نخواهد آمد؛ به همین علت است که امام خمینی (ره) بر این عقیده است که تمام هویت انسانی، در فاطمه جلوه گر شده است.

علامه محمد اقبال لاهوری در سروده‌ی خود درباره‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) گفته است:

مریم از یک نسبت عیسی عزیز	از سه نسبت حضرت زهرا عزیز
نور چشم رحمه للعالمین	آن امام اولین و آخرین
بانوی آن تاجدار هل اُتی	مرتضی مشکل گشا شیرخدا
مادر آن مرکز پرگار عشق	مادر آن کاروان سالار عشق
مزرع تسلیم را حاصل بتول	مادران را اسوه‌ی کامل بتول

(لاهوری، ۱۳۴۳، ۱۰۴-۱۰۳)

هم ترازِی حضرت فاطمه (س) با سایر معصومین در فضایل

با توجه به اینکه حقیقت هر انسانی، روح مجرد اوست و بدن در تمام مراحل، تابع روح است و روح نیز به دلیل مجرد بودن، از مذکر و مؤنث بودن منزه می‌باشد؛ به همین جهت هیچ کمالی از کمالات انسان به مذکر بودن و مؤنث بودن بستگی ندارد. پس کمال حقیقی که همان ولایت است، برای مرد و زن قابل دستیابی است. به همین دلیل تمام فضایی که پیرامون موضوع ولایت قابل بحث است و برای ائمه مطرح می‌شود برای حضرت فاطمه زهرا (س) نیز وجود دارد. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «فاطمه زهرا سلام الله علیها... زنی که افتخار خاندان وحی [است] و چون خورشیدی بر تارک اسلام عزیز می‌درخشد؛ زنی که فضایل او هم تراز فضایل بی‌نهایت پیغمبر اکرم و خاندان عصمت و طهارت بود؛ زنی که هر کسی با هر بینش، درباره‌ی او گفتاری دارد و از عهده‌ی ستایش او بر نیامده - که احادیثی که از خاندان وحی رسیده به اندازه‌ی فهم مستمعان بوده - و دریا را در کوزه‌ای نتوان گنجاند و دیگران هر چه گفته‌اند، به مقدار فهم خود بوده نه به اندازه‌ی مرتبه او. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ۲۷۴)»

مسأله‌ی هم ترازِی فضایل حضرت فاطمه (س) با فضایل پیامبر اکرم (ص) به این دلیل است که حضرت فاطمه زهرا (س) جلوه‌ای از وجود پیامبر اکرم است؛ پس کمالات و ویژگی‌هایی که خداوند به ساحت مقدس مقام ختمی مرتبت افاضه نمودند را نصیب فاطمه‌ی زهرا (س) و سایر معصومین (علیهم السلام) شده است. در واقع پیامبر نسبت به اهل بیت او - به خصوص حضرت فاطمه زهرا (س) - همانند نور و شمع آن یا مانند اصل و فرع است؛ لذا در روایات آمده است که رسول خدا (ص) فرمود "فاطمه بضعة منی"؛ فاطمه پاره‌ای از وجود من است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ۷۶، ح ۶۳) و در روایتی دیگر رسول خدا (ص) فرمود: «أنا شجرة وفاطمة فرعها»؛ من درخت و فاطمه شاخه‌ی آن است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ۲۷)

بنابراین هر فضیلتی که برای حضرت زهرا (س) و یا سایر اهل بیت (علیهم السلام) وجود دارد، در واقع جلوه‌ای از فضایل پیامبر است؛ و گرنه در نظام آفرینش، هیچ کس همتا و هم تراز مقام ختمی مرتبت نیست و حتی در موطنی که نور اهل بیت (علیهم السلام) با نور آن حضرت متحد است نیز هم ترازِی و همتایی به مفهوم در عرض هم بودن نیست؛ زیرا در آنجا کثرتی نیست تا برابری و همتایی مطرح باشد. (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ۲۱۲-۲۱۱)

با توجه به این نکته، برای حضرت فاطمه زهرا (س) فضایل فراوانی بیان شده و در بسیاری از این فضایل می‌توان هم ترازِی آن حضرت را با سایر معصومین (ع) مشاهده کرد؛ که در این جا به دو

فضیلت که ریشه‌ی عمیق قرآنی دارد می‌توان اشاره کرد: نخستین فضیلت، مسئله عصمت است که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «أَتَمُّ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ خداوند می‌خواهد آلودگی را تنها از شما خاندان پیامبر بزداید و شمارا پاک و پاکیزه گرداند. (سوره احزاب، آیه ۳۳)

بزرگان اهل تفسیر با توجه به دلایل مختلف معتقدند که این آیه در شأن پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شده است. (طباطبایی، ۱۳۶۶ ش، ج ۱۶، ۳۲۹) در روایتی آمده است روزی رسول خدا (ص) در منزل ام سلمه حضور داشت که جبرئیل نازل شد و آیه مبارکه "تطهیر" را بر حضرت خوانده سپس رسول خدا حسن، حسین، فاطمه و علی (علیهم السلام) را فراخواند و آن‌ها را در کنار خود زیر "کساء" قرار داد و آن‌گاه عرض کرد: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي، اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»، بار خدایا این‌ها اهل بیت من هستند، آنان را از هرگونه ناپاکی حفظ کن و پاکیزه بدار.

در روایتی دیگر آمده است: رسول خدا در منزل ام سلمه بود و در حال استراحت جامه‌ای (کساء) بر خود کشیده بود؛ سپس فاطمه وارد شد، پیامبر فرمود: «همسر و دو فرزندت حسن و حسین را نیز فراخوان. فاطمه رفت و علی و دو فرزندش را به همراه آورد. هنگامی که مشغول غذا خوردن بودند، آیه "تطهیر" نازل شد؛ آن‌گاه پیامبر، فاطمه، علی، حسن و حسین را زیر "کساء" قرار داد و دست از زیر آن برآورد و به سوی آسمان اشاره کرد و سه بار گفت:

«اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي، فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»

از مجموع این روایات به آسانی می‌توان فهمید که فاطمه زهرا (س) در عصمت با پیامبر و سایر معصومین هم تراز است. همچنین رسول خدا (ص) فرمود: «فاطمه بضعة منی، یرضینی ما ارضاها و یسخطنی ما اسخطها»؛ فاطمه پاره‌ی تن من است، هرچه او را راضی کند مرا راضی می‌کند و هرچه او را ناخشنود سازد مرا ناخشنود می‌سازد.

این سخن پیامبر نیز دلیل روشنی بر عصمت و هم‌ترازی فاطمه با پیامبر است؛ زیرا اگر ذره‌ای شائبه عدم عصمت در وجود فاطمه می‌بود، هرگز رضایت و رنجش او سبب رضایت و رنجش رسول خدا نمی‌شد، بلکه او مستحق نتیجه‌ی عمل خود می‌بود. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ۳۹، ح ۴۱)

دومین فضیلت، جریان آیه‌ی مباحله است؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «قَمَنَ حَاجُّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ هر که در این باره پس از دانشی که تو را حاصل آمد، با تو مجاجه کند، بگو: بیایید پسرانمان و پسرانتان، زنانمان و زنانتان، و ما و خویشان نزدیک ما و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم؛ پس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم. (سوره آل عمران، آیه ۶۱)

در ارتباط با این آیه به دو نکته باید اشاره کرد:

نکته اول: در جریان مباحله، تنها پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) حضور داشته‌اند.

نکته دوم: آیه‌ی مباحله یکی از بزرگ‌ترین فضیلت‌ها را برای اهل بیت (علیهم السلام) و به خصوص حضرت فاطمه زهرا (س) ثابت می‌کند و از سوی دیگر، نمونه هم‌ترازی فاطمه (س)

با پیامبر (ص) و سایر معصومین (علیهم السلام) است؛ زیرا از بیان آیه مباحله که فرمود: «ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» به دست می آید که در جریان مباحله، حضرت فاطمه (س) با همسر و فرزندش، هم در اصل مدعا (این که حق با آنان است) و هم در دعوت به حق، با پیامبر اسلام شریک بوده اند؛ زیرا کلمه "الکاذبین" به صورت جمع آمده است و اگر طرف دعوا و دعوت تنها شخص پیامبر می بود، چنین تعبیری آورده نمی شد. بنابراین اگر چه نبوت و دریافت وحی تشریعی مختص به وجود حضرت ختمی مرتبت است، اما ولایت در اهل بیت آن حضرت از جمله فاطمه زهرا (س) نیز وجود دارد. به همین جهت فاطمه (س) در جریان مباحله، شریک پیامبر (ص) بوده است و این مساله بهترین نمونه ی هم ترازوی فاطمه (س) با سایر معصومین و امامان (علیهم السلام) است. (طباطبائی، ۱۳۶۶ ش، ج ۳، ۲۴۶-۲۴۵؛ جوادی آملی، ۱۳۶۹ ش، ۲۲۳)

فاطمه زهرا حقیقت لیلۀ القدر

یکی از اسرار وجودی حضرت فاطمه زهرا (س) ظهور حقیقت لیلۀ القدر است. امام خمینی (ره) ضمن بحث عرفانی در باره ی لیلۀ القدر و این که حقیقت لیلۀ القدر، ائمه معصومین (ع) می باشند؛ می فرماید: "و دلالت بر آن چه احتمال دادیم از حقیقت لیلۀ القدر می کند، حدیث شریف طولانی که در تفسیر برهان از کافی شریف نقل فرموده و در آن حدیث است که نصرانی گفت: به حضرت موسی بن جعفر که تفسیر باطن «حم» و «الکتاب المبین» «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ». «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (سوره دخان، آیات ۴-۱)؛ «حَاء» و «مِیم» سوگند به کتاب روشن گر که ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم، [زیرا] که ما هشدار دهنده بودیم؛ در آن شب هر گونه کاری به نحوی استوار فیصله می یابد. "؛ چیست؟ فرمود: اما "حم" محمد صلی الله علیه و آله است و اما "کتاب مبین" امیرالمومنین علی (ع) است و اما "لیلۀ فاطمه (ع) است؛ (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۳۳۰ - ۳۲۹)

مساله لیلۀ القدر بودن فاطمه زهرا (س) در شمار معارف ناب اهل بیت است. چرا که فاطمه زهرا (س) ظهوری از حقیقت لیلۀ القدر است؛ و اما این که لیلۀ القدر چیست و چرا فاطمه زهرا (س) ظهور حقیقت لیلۀ القدر است؟ را می توان با رویکرد عرفانی دنبال کرد. نخست این که: سیر در قوس نزولی موجب محدود شدن وجود می شود؛ اما در قوس صعود که سیر از تاریکی عالم طبیعت و ناسوت به سوی باطن و ملکوت هستی است در واقع خروج از ظلمت به سوی نور است. به همین جهت از سیر در قوس نزول به «لیالی» و شب ها یاد می شود، زیرا «لیل» کنایه از حد و قید است. ماه در قوس صعود چون وجود بر اثر سیر هستی پیوسته در حال خروج از حدود ظلمانی به سوی نور و روشنایی است، از آن به «ایام» و روزها تعبیر می شود. از آن جا که انسان کامل «کون جامع» است لذا هم «لیلۀ القدر» و هم «یوم الله» گفته می شود. (صادقی ارزگانی، ۱۳۸۷، ۳۶۳)

امام خمینی (ره) از منظر عرفانی این نکته را مطرح نموده اند که برای هر دقیقه، حقیقتی است و هر صورت ملک، باطنی ملکوتی و غیبی دارد. اهل معرفت می گویند، مراتب نزول وجود به اعتبار احتجاب و پنهان بودن شمس حقیقت در افق تعینات «لیالی» است؛ و مراتب صعود به اعتبار خروج شمس حقیقت از آفاق تعینات «ایام» نامیده می شود. به اعتبار دیگر، قوس نزول را «لیلۀ القدر

محمّدی» و قوس صعود را «یوم القیامه احمدی» نامیده اند؛ زیرا این دو قوس پرتو نور فیض منسبط است که آن را «حقیقت محمدیه» گویند و تمام تعینات، جلوه ای از تعین اولی، یعنی اسم اعظم و آن حقیقت بی کران است بنابراین از منظر وحدت، تمام نشئه و جهان هستی یک شب و روز است که از آن به «لیله القدر محمدی» و «یوم القیامه احمدی» تعبیر می شود و کسی که متحقق به حقیقت باشد همیشه در «لیله القدر» و «یوم القیامه» خواهد بود.

اما اگر از منظر کثرت به عالم نگاه شود، عالم هستی «لیالی» و «ایام» متعددی دارد که بعضی از آن «لیالی»، «لیله القدر» است. به عبارت دیگر در بین همه «لیالی»؛ «بنیه ی احمدی و تعین محمدی (ع)» که در آن نور حقیقت به جمیع اسماء و صفات و با کمال نورانیت و تمام حقیقت، در افق آن غروب کرده است، «لیله القدر» یا «یوم القیامه» است؛ برخلاف دیگر «لیالی» و «ایام» که مقید هستند. به همین جهت نزول قرآن بر قلب شریف حضرت ختمی مرتبت، در واقع نزول در «لیله القدر» است؛ زیرا وجود آن حضرت، حقیقت «لیله القدر» است. (امام خمینی، ۱۳۸۹-۳۲۹-۳۲۸) بنابراین یکی از معانی «لیله القدر»؛ حقیقت وجود انسان کامل است که وجود ختمی مرتبت مصداق اکمل و اهل بیت آن حضرت -از جمله فاطمه زهرا(س)- مصادیق کامل آن هستند.

دوم اینکه: در برخی آثار عرفانی چنین آمده است: «لیله القدر دارای مراتبی است؛ از آن جا که منازل سیر حبی وجود در قوس نزول به لیل و لیالی تعبیر می شود و در قوس صعود به یوم و ایام یاد می شود، لذا عصمه الله الکبری حضرت فاطمه زهرا (س) همان گونه که «لیله القدر» است، یوم الله نیز هست و به دلیل آن که انسان کامل در عصر محمدی ظرف حقایق قرآنی، بلکه قرآن ناطق است، پس می توان گفت یازده قرآن ناطق در «لیله القدر مبارک» حضرت فاطمه زهرا (س) فرود آمده اند، و به همین جهت آن حضرت «ام الاثم» و «کوثر» خوانده می شود (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹-۲۶۰).

بنابراین اطلاق «لیله القدر» بر انسان کامل، از جمله حضرت زهرا (س)، به مانند اطلاق «قلب» بر نفس ناطقه ی انسان و نیز عضو صنوبری شکل در طرف چپ سینه است؛ با این که حقیقت در «قلب» به همان روح مجرد و مرتبه ی نفس ناطقه ی انسان است، ولی به جهت ارتباط روح با آن عضو صنوبری شکل، آن را نیز «قلب» می گویند. به همین دلیل امام خمینی (ره) با طرح حرکت حبی وجودی، سیر تکامل وجودی حضرت فاطمه زهراء (س) را تا به مقام فنای الهی این گونه بیان کرده اند: «این صورت طبیعی، نازل ترین مرتبه انسان است...، لکن از همین مرتبه ی نازل حرکت به سوی کمال است، انسان موجودی متحرک است از مرتبه ی طبیعت تا مرتبه ی غیب تا فنا در الوهیت. برای صدیقه طاهره این مسائل، این معانی حاصل است؛ از مرتبه ی طبیعت شروع کرده است، حرکت کرده است، حرکت معنوی با قدرت الهی، با دست غیبی، با تربیت رسول الله (ص) مراحل را طی کرده است. تا رسیده است، به مرتبه ای که دست همه از او کوتاه است. (امام خمینی، ۱۳۷۹ ش، ج ۷، ۳۳۸-۳۳۷)

هم چنین در بیانی دیگر: سوره مبارکه قدر را نسبت پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) دانسته و گفته است:

«از بیانات عرفانیه و مکاشفات ایمانیه که به دست گیری اولیای عظام (علیهم السلام) بر قلب منیر اهل معرفت ظاهر شد، معلوم شود که چنان چه سوره ی مبارکه توحید، نسبت ذات مقدس

حق جلّ و علا است، سوره ی شریفه قدر نسبت اهل بیت عظام (علیهم السلام) است." (امام خمینی، ۱۳۸۹، ش، ۳۴۵)

کلام عمیق حضرت امام، چنان که خود نیز اشاره نمود، بر اساس حدیث نورانی امام صادق (ع) است که فرمود: در شب معراج وقتی خداوند خواست نماز را به حضرت پیاموزد، خطاب به او فرمود: در رکعت اول نماز بعد از سوره ی حمد، سوره ی مبارکه توحید را که نسبت و اوصاف الهی و توحید در آن بیان شده بخواند و در رکعت دوم پس از حمد، سوره ی قدر را بخواند که تا روز قیامت نسبت تو و نسبت اهل بیت تو است. (کلینی رازی، ۱۴۰۱، ج ۳، ۴۸۵، ح ۱)

و اما منظور از نسبت این است که سوره ی قدر بیان گر شرف و کرامت پیامبر و اهل بیت او است؛ یا مقصود این است که سوره قدر شامل نسبت پیامبر و اهل بیت به مردم و بیان گر نیاز مردم به پیامبر و اهل بیت است، زیرا در شب قدر روح به همراه فرشتگان دیگر، اموری را که مردم به آن ها احتیاج دارند، بر پیامبر و اهل بیت او نازل می کنند. (مجلسی، ۱۳۶۳، ش، ج ۱۵، ۴۷۵، ح ۱)

فاطمه سبیل الله است

یکی از مصادیق سبیل الله، محبت به فاطمه (س) است. در بعضی از زیارتها نقل شده است که: «أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ...» «شما پید راه بزرگ». (قمی، ۱۳۷۸، ش ب، ۹۰۵) از این گونه مضامین استفاده می شود که مودّت ذی القربی واجب است و سازندگی زیادی دارد. محبت فاطمه (س) نیز واجب بوده و آثار سازنده سیاسی و اجتماعی دارد و ما هم مکلف به آن هستیم. در جانب، رعایت حقوق اجتماعی اهل بیت (علیهم السلام) نیز لازم و واجب است و این خواسته فاطمه (س) و مسئلت خداوند است که به عنوان اجر و مزد رسالت بزرگ پیامبر اکرم (ص) بر عهده ی امت ایشان نهاده شده است.

محبت به حضرت فاطمه (س)

راه شناخت و چگونگی داشتن محبت نسبت به حضرت فاطمه (س) دقت و توجه در سیره پیغمبر (ص) است، که بر اساس آن ها، این موضوع اشاره شده که: شما، از روش رسول الله (ص) و سیره او الگو و سرمشق گیرید.

در قرآن کریم خداوند می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ اليَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا. البته در اقتدا به رسول خدا برای شما خیر و سعادت است، برای آنکه کسی که به ثواب و روز قیامت امیدوار باشد، بسیار یاد خدا کند. (سوره احزاب، آیه ۲۱) اکنون با توجه به این آیه شریفه، باید به سیره ی رفتاری پیغمبر (ص) در برخورد با حضرت فاطمه (س) بنگریم. وقتی که آن را بررسی می کنیم مشاهده می نمائیم که این رابطه چیزی جز مودّت و مهربانی نبوده است. این رابطه ی ژرف و ظریف، بی نظیر بوده و قابل تصور نیست. حضرت پیغمبر (ص) هرگاه که عزم سفر می نمود، آخرین شخصی که از او خدا حافظی می کرد، فاطمه (س) بود و هنگام بازگشت از مسافرت اولین که شخصی که با او ملاقات می نمود فاطمه (س) بود. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ۱۵۶). وقتی که حضرت فاطمه (س) وارد خانه پدر می شد پدر در مقابل ایشان (همان دختر نه ساله) تمام قد می ایستادند و برای ایشان احترام عجیبی قائل بودند وقت نماز صبح که

فرا می رسید، پیغمبر (ص) به خانه ی حضرت فاطمه (س) رفته و صدا می زدند: «الصلوة، الصلوة، رحمکم الله، السلام علیکم یا اهل بیتی، انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا». (سیوطی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ۵)

پیغمبر تا مدت های طولانی این روش را اجرا می نمودند و عملاً الگوی رفتاری پیغمبر (ص) نسبت به حضرت فاطمه (س) فراتر از رابطه ی پدر با دخترش بوده است. حضرت پیغمبر (ص) می خواستند با این رفتار نشان دهند که فاطمه (س) از نظر من محبوب است. در این باره وارد شده است: پیغمبر (ص) حضرت فاطمه (س) مورد خطاب قرار می دادند که: ای محبوبه ی پدر «یا حبیبۀ ایها...» (طبری، ۱۴۱۳ق، ۶۹) بعد از این حضرت حکم و یا مطلبی را بیان می فرمودند و یا اینکه از پیغمبر اکرم (ص) سوال می شد، محبوب ترین افراد نزد شما کیست یا رسول الله؟ عزیزترین فرد در نزد شما کیست؟ حضرت جواب می دادند: فاطمه. «من أحب الناس الیک قال: فاطمه». (الأربلی، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ۹۷)

حال آیا این محبت و علاقه غیرقابل وصف پیغمبر اکرم (ص) نسبت به فاطمه (س)، قابل الگوبرداری نیست؟ این حقیقت را باید باور کرد. این مودت و محبت حکمی است که از طرف خداوند بر امت خواسته شده است. اگر مردم این مودت را قبول می کردند، تمام خیرات و برکات، در جامعه ظاهر می شد.

فاطمه (س)، اسوه ی حسنه و الگوی برتر

قرآن کریم از انسان کامل به عنوان "اسوه ی حسنه" و الگوی برتر یاد کرده و فرموده است: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیرا». قطعاً برای شما، رسول خدا سرمشق نیکو است، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند. (سوره احزاب، آیه ۲۱)

بر این اساس، کسانی که به خدا و زندگی جاودان آخرت باور دارند و در پی کمال و سعادت ابدی تلاش می کنند، سرمشق خود را در همه ی ابعاد زندگی از انسان کامل می گیرند. فاطمه ی زهرا (س) به عنوان مصداق بارز انسان کامل، بهترین الگو برای همه ی عالمیان است. لذا فرزندش حضرت مهدی (عج) نیز به حضرت فاطمه (س) تأسی می کند و از او سرمشق می گیرد؛ چنان که فرموده اند: «و فی ابنته رسول الله (ص) لی اسوه حسنه»؛ دختر رسول خدا (ص) برای من نیکوترین سرمشق است. (طوسی، ۱۳۸۵، ۱۷۳) الگو بودن آن حضرت در ابعاد مختلف قابل بررسی است، که در این جا به چند مورد آن که در عرفان امام خمینی (ره) مطرح شده است، اشاره می شود.

الف) الگوی برتر معرفت، تقوا و علم آموزی

یکی از بهترین ویژگی ها و کمالات حضرت فاطمه ی زهرا (س) تقوا، معرفت و دانش آن حضرت است. این ویژگی در آثار امام خمینی (ره) به عنوان سرمشقی برای همگان به ویژه زنان مسلمان، مطرح شده است. «آن طوری که... حضرت زهراء (س) بود، همه باید به او اقتدا کنید و کنیم و همه باید دستورمان را از اسلام به وسیله ی او و فرزندان او بگیریم و همان طوری که او بوده است، باشید و در علم و تقوا کوشش کنید؛ که علم به هیچ کس انحصار ندارد، علم مال همه است، تقوا مال همه است و کوشش برای رسیدن به علم و تقوا وظیفه ی همه ی ماست و همه ی شماست.» (امام خمینی، ۱۳۷۹ش، ج ۱۹، ۱۸۴)

ب) الگوی ساده زیستی و تربیتی

یکی از زیبا ترین جلوه های رفتاری آن حضرت، مساله ساده زیستی آن حضرت است. این مساله در آثار عرفانی امام خمینی (ره) به گونه ی شایسته ای مورد توجه قرار گرفته است. حضرت امام (ره) در این باره می فرماید: «زنی که در حجره ای کوچک و محقر، انسان هایی تربیت کرد که نورشان از بسط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلی می درخشد. صلوات و سلام خداوند تعالی بر این حجره ی محقر که جلوه گاه نور عظمت الهی و پرورشگاه زیدگان اولاد آدم است.» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ۱۹۲)

تربیت بزرگ ترین انسان ها، که هر کدام سر سلسله ی پاكان هستند، در منزل کوچک، الگویی دیگر از زندگی سراسر برکت حضرت فاطمه ی زهراء (س) است. این زندگی ساده و بی آلاش و آن تربیت آسمانی فرزندان، برای همه ی افراد بشر، به ویژه شیعیان ره آورد این پیام است که برخلاف تصور افراد تجمل گرا و رفاه طلب، تربیت سالم فرزندان وابسته به برخورداری از تجملات و امکانات رفاهی نیست. فاطمه ی زهرا (س) در ساده ترین محیط و با کم ترین امکانات، نه تنها حسن و حسین (علیهم السلام)، بلکه فرزندی چون زینب تربیت کرد که عملکرد او در جریان حادثه ی کربلا جهانیان را شگفت زده کرده است. بنابراین اگر مادری، حضرت فاطمه زهرا (س) و نمونه های رفتاری و تربیتی او را سرمشق خود قرار دهد، می تواند شایسته ترین فرزندان را در ساده ترین محیط و با کم ترین امکانات تربیت کند و تحویل جامعه دهد.

ج) فاطمه، برترین الگوی ولایت مداری

فاطمه ی زهرا (س) کامل ترین الگوی ولایت مداری است و او اولین کسی است که برای دفاع از ولایت گام برداشت و در برابر کسانی که به حریم ولایت تجاوز کردند از هیچ گونه تلاش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دریغ نکرد. در واقع فاطمه نخستین شهید دفاع از حریم ولایت است. در عرفان امام خمینی الگوپذیری از فاطمه در دفاع از حریم ولایت مورد توجه خاصی قرار گرفته است؛ حضرت امام در این باره می فرماید: «اگر... همه پذیرفتند که امروز، روز زن است، یعنی روز تولد حضرت زهرا که آن کمال و آن وضعیت را دارد... به عهده ی شما مسائل بزرگی [خواهد آمد]، از قبیل مجاهده که حضرت مجاهده داشته است... با حکومت های وقت، محاکمه می کرده است حکومت های وقت را، شما باید اقتدا به او بکنید تا پذیرفته باشید... روز تولد این حضرت روز زن است.. دفاع از حریم خودش، از کشور خودش، از زندگی خودش، از مال خودش و از اسلام دفاع بر همه واجب است.» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ۷-۶)

از آن جا که عرفان امام خمینی، عرفانی پویا و زنده و در واقع عجین شده با اعتقادات و آمیخته با سیاست های دینی و انسانی است، لذا از فاطمه ی زهرا در دو جنبه ی اعتقادی و سیاسی به عنوان الگوی برتر یاد شده است که هر کدام در جای خود آموزنده و سرنوشت ساز است. لازم به ذکر است که دفاع از حریم ولایت جزو اعتقادات آن حضرت بود؛ روزی در محضر رسول خدا گفت:

«رَضِیْتُ بِاللّهِ رَبّاً وَ بَكَ يَأْتِیَاهُ نَبِیّاً وَ بَا بِنَ عَمِّی بَعلاً وَ وَلِیّاً»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ۱۵۱، ح ۶)

من به توحید خداوند و نبوت تو و ولایت همسرم علی راضی و معتقدم.

به علاوه این که حضرت از نظر فرهنگی و تبلیغی نیز کارهای زیادی در دفاع از ولایت انجام داد؛ مهم ترین دفاع او... که به عنوان الگوی دفاع از حریم ولایت، تا همیشه ی تاریخ سرمشق و الگوی

مدافعان حریم ولایت است- همین دفاع فرهنگی و تبلیغاتی آن حضرت است. روایت زیر در واقع در تائید بیان و کلام امام خمینی آورده شده است.
راوی می گوید:

« فاطمه ی زهرا همواره بر سر قبر پیامبر می رفت و مشغول گریه می شد. روزی من در کنار قبر رسول خدا بودم، به حضرت فاطمه (س) عرض کردم؛ مدتی است که سؤالی ذهن مرا مشغول داشته است و بسیار علاقه دارم که پاسخ آن را از شما بشنوم. حضرت فاطمه فرمود: پیرسید. من گفتم: آیا رسول خدا قبل از وفاتش درباره ی امامت علی (ع) به طور صریح چیزی گفته است؟

فاطمه فرمود: من تعجب می کنم، مگر شما داستان غدیر خم را فراموش کرده اید؟ من گفتم: آن داستان را فراموش نکرده ام، بلکه می خواستم اگر رسول خدا در این باره مطلبی را به طور سرّی و خصوصی به شما گفته است، آن را بشنوم.

حضرت فاطمه فرمود: خدای متعال را گواه می گیریم که از پدرم شنیدم که فرمود: علی بهترین جانشین من است که او را در میان شما قرار دادم و او امام و خلیفه ی بعد از من است و دو فرزند علی، یعنی حسن و حسین و نه نفر که از نسل حسین به وجود می آیند امامان برگزیده و پاک می باشند. اگر آنان را درک نمودید از آن ها اطاعت کنید؛ زیرا آن ها راهنما و هدایت گر شما هستند و اگر با آن ها مخالفت کنید و راه عصیان در پیش گیرید، تا روز قیامت گرفتار اختلاف و نابسامانی می شوید.

راوی می گوید: پس از شنیدن کلام حضرت فاطمه به او عرض کردم: اگر موضوع خلافت علی (ع) تا این اندازه روشن است، پس چرا آن بزرگوار برای گرفتن حق خود قیام نکرد؟ حضرت فاطمه به نقل از رسول خدا در پاسخ فرمود: «مَثَلُ عَلِيٍّ مَثَلُ الْكَعْبَةِ، إِذْ تُؤْتَى وَلَا تُأْتَى»؛ علی مانند کعبه است که مردم باید به سراغ آن بروند، نه این که کعبه به دنبال مردم حرکت کند. (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ۲، ۷۸۳)

این گونه نمونه های رفتاری و تبلیغی حضرت زهرا (س) گذشته از جنبه ی اعتقادی، بیان گر الگوی سیاسی نشر و بیان حقایق و اسوه ای برای ولایت مداری است؛ بنابراین امام خمینی بر این عقیده است که پذیرش ولایت منوط بر تعهد به پیامدهای آن شود و در دفاع و تبلیغ آن از هیچ تلاشی دریغ نکند. به عنوان نمونه، حضرت زهرا (س) درباره ولایت، تنها به پذیرش اعتقادی آن اکتفا ننموده، بلکه در صحنه های مختلف سیاسی و اجتماعی و با روش های گوناگون تبلیغی، وارد عمل شد و براساس ولایت، از اسلام و باورهای دینی دفاع کرد و در برابر این جریان مقاومت نمود؛ زیرا از دیدگاه حضرت زهرا (س)، زعامت اهل بیت (علیهم السلام) تنها راه نجات امت اسلامی از مشکلات و معضلات سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و... است. امام خمینی با توجه به دیدگاه حضرت زهرا (س) می گوید:

« تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است؛ چنان که حضرت زهرا (س)، در خطبه ی خود می فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است. » (امام خمینی، ۱۳۸۵ش، ۳۷)

قرآن کلمه الله است، فاطمه هم کلمه الله است

باید گفت که شباهت هایی بین فاطمه زهرا (س) و قرآن کریم وجود دارد، یکی از آنها این است که قرآن کریم و فاطمه زهرا (س) هر دو کلمه الله هستند. اما این که قرآن «کلمه الله» و یا کلمه ی خداست، در روایات به آن اشاره شده است. مثلاً در آیه ی شریفه می فرماید: «... فَأَمْنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيُّ الْأُمِّيُّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ...» (سوره اعراف، آیه ۱۵۸) ایمان به خدا بیاورید که ایمان به خدا مسئله ی مهم و کاری بسیار سخت و دشوار است. ممکن است انسان به زبان بگوید ولی در واقع کاری مشکل است و همین طور ایمان به پیامبر (ص) که امر بسیار مهمی است. انسان تمام رفتار و کردار و افکار او پیرو پیغمبر (ص) باشد. تقدّم و تأخّر نداشته باشد. داشتن چنین رفتار و ایمانی، کار ساده ای نیست. به زبان آوردن آن شاید ساده باشد، اما تحقق آن مشکل است. حال چنین پیغمبری که ما باید به او ایمان بیاوریم کیست؟ معرفی می کند.

ویژگی اول این است که خبر را از طرف خداوند دریافت می کند. ویژگی دوم آن بزرگوار امی بودن اوست. یعنی نسبت به آن چه که خداوند به او وحی کرده است چیز دیگری از خود ندارد، به غیر از وحی الهی هیچ گونه اطلاعات و معلوماتی کسب نکرده است.

ویژگی سوم این است که به خدا ایمان دارد. ایمان به خدا موضوع بسیار مهمی است و قرآن کریم ایمان به خداوند را به عنوان یکی از ویژگی های پیغمبر (ص) به او نسبت می دهد.

ویژگی چهارم این است که به کلمات خدا ایمان دارد «و کلماته». طبق این آیه شریفه، قرآن کلمه ی خداست و نکته ای که قابل توجه است این است که پیغمبر (ص) به عنوان مؤمن به قرآن معرفی شده یعنی گرچه پیغمبر اکرم (ص) متخلق به قرآن و به عبارت دیگر قرآن ناطق است، ولی این مسیر از راه ایمان به خدا آمده است. (بامری، ۱۳۸۸ش، ۱۹۹-۲۰۰)

اما هم چنان که ذکر شد، حضرت فاطمه (س) نیز کلمه ی خداست. به چه علت و چرا می گوئیم حضرت فاطمه زهرا (س) کلمه ی خداست؟ برای روشن شدن این مطلب به آیه ای از قرآن اشاره می کنیم. «فَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» پس آموخت آدم از پروردگار خود کلماتی که با آن کلمات توبه کند. (سوره بقره، آیه ۳۷)

در آیه ی فوق و آیاتی نظیر این آیه «کلمه الله» به کار رفته و آن چه که بر این آیه روایت شده این است که کلمات را بر اهل بیت و ائمه اطهار (علیهم السلام) و از جمله بر حضرت فاطمه زهرا (س) تطبیق می کند. حضرت آدم (ع) گرفتار خطایی شد، مقصود این است که در طبع انسان احتمال خطا وجود دارد. اگر حضرت آدم (ع) این خطا را مرتکب نمی شد، هیچ کس خطا نداشت. به این معنی که انسان دچار خطا می شود و سپس متنبّه شده و توبه می کند. بنابراین معلوم می شود که انسان در نهایت به حقّ گرایش دارد. اگر این استعداد در وجود او نهفته نبود از حق روی گردان می شد و اگر حضرت آدم (ع) از خطایش توبه نمی کرد، هیچ کس از خطایش توبه نمی کرد. این خطا باعث شد که از بهشت خارج شود. (حال هر بهشتی که بوده است) و در دار بلا و غربت و امتحان وارد شود و در زمینی باید زندگی کند که جای توبه است. حال این توبه چگونه و از چه طریقی است؟ به یاد آورد که وقتی خداوند او را خلق کرده بود، عطسه کرد، «الحمد لله» گفت و خداوند نیز فرمود: «یرحمک ربک» و این اولین دعا بوده است. حضرت آدم (ع) دید که فرشته ها در مقابلش

سجده کردند، گفت: خدایا معلوم می شود که من از مقام بالایی برخوردارم. آیا مخلوقی بهتر از من خلق کرده ای؟! خداوند اول جواب او را نداد. افسوس از این غرور و عجب آدمی! آدم خود را از دیگران بالاتر بداند. بار دیگر این سوال تکرار شد. خداوند پاسخی نفرمود. بار سوم سؤال کرد آیا بهتر از من هم خلق کرده ای؟ خداوند فرمود: بلی، بلکه تو را هم به خاطر آن ها خلق کرده ام. حضرت آدم(ع) عرض کرد: آن ها چه کسانی هستند؟ خداوند اشباح حقه ی شجره ی طیبه را به او نشان داد و حضرت آدم(ع) آن ها را مشاهده کرد. حضرت محمد(ص)، حضرت علی(ع) حضرت فاطمه(س) امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و خداوند هر یک را معرفی نمود. این محمد پیغمبر من است و این ها یعنی حسن و حسین و صدیقه طاهره ذریه اش هستند و این علی وصی اوست. این ها همه کلمات خدا هستند. حضرت آدم(ع) این کلمات را به یاد داشت. لذا وقتی که خواست توبه کند خدا را به این کلمات قسم داد.

هم چنان که کاملاً واضح است فاطمه زهرا(س) یکی از کلمات خداست. همان گونه که قرآن کلمات خداوند است. (بامری، ۱۳۸۸ش، ۲۰۲)

حال که این ارتباط و معنی را دریافتیم، باید نسبت به آن حضرت احترام و ادب بسیار داشته باشیم. اُمّت پیغمبر(ص) نسبت به حضرت فاطمه(س) همان وظیفه ای را دارند که در قبال قرآن به آن موظف شده اند. با توجه به مطلب بیان شده مثل و مانند حضرت فاطمه(س) در تاریخ نیامده و نخواهد آمد، به همین دلیل حضرت امام خمینی(ره) بر این اعتقاد است که تمام هویت انسانی، در حضرت فاطمه(س) جلوه کرده است. (امام خمینی، ۱۳۷۹ش، ج ۷، ۳۴۱)

فاطمه(س) در عرصه ی تعلیم و تربیت

نسبت به افراد زیردست و اهل خانه ی خود همانند فضّه خادمه و هم چنین نسبت به افراد اهل شهر و همسایگان بسیار کوشا بود و افرادی از بانوان در این مسیر تحت تعلیم و تربیت ایشان قرار می گرفتند و با مسائل و امور دیگر دینی آشنا می شدند که در این بُعد از زندگی نیز حضرت شخصیتی جامع داشتند. در مجموع زندگی حضرت زهرا(س) از همه نظر جامعیت دارد. در این زمینه روایتی داریم؛ شخصی به نزد حضرت فاطمه(س) می آید و سؤالاتی مطرح می کند. احساس می کند که حضرت فاطمه(س) را آزار داده و خسته کرده است. آن حضرت فرمودند: من در مقابل هر سؤالی که جواب می دهم، از اجرهای فراوانی بهره مند می شوم. بنابراین به علت تأثیرپذیری از این روش و بینش درخشان است که حضرت فاطمه(س) زن نمونه ی عالم اسلام می شود. در آن نقل تاریخی معروف دارد که شخصی در راه مکه با پیرزنی برخورد می کند که به تمام آیات قرآنی مسلط است و سؤالات را با قرآن پاسخ می دهد. بعداً معلوم می شود که او چهل سال است که با آیات قرآن سخن می گوید. وقتی که آن مرد از فرزندان او موضوع را جویا می شود، مشخص می گردد که این خانم تربیت شده ی حضرت فاطمه زهرا(س) بوده است و همان کنیز حضرت فاطمه(س) به نام فضّه است. تعلیم قرآن و تربیت او برگرفته از شاگردی حضرت فاطمه زهرا(س) و آموزش او بوده است. (بامری، ۱۳۸۸ش، ۲۱۹، ۲۱۴)

نتیجه گیری

عرفان اسلامی در فرایند تاریخی خود با تمام فراز و فرودهایی که داشته است، رجالی بزرگ و عارفانی سترگ را در دامن خود پرورش داده ولی حقیقت آن است که عارفی به جامعیت امام خمینی (ره) کم تر آمده و یا از برخی جهات می توان گفت نیامده است، ایشان از جمله عارفانی است که بعد از معصومین (ع) با جلوه های حضور ربانی خود توانست دنیاهای وسیعی را به روی دینداران و دین باوران بگشاید و حیاتی دیگر به جهان آدمیان بخشد.

ایشان در همه ی عرصه ها با نگاه جامع گرایانه خود، حیات آدمی را معنی دارتر نمود. زیرا عالم را مظهر خدا و همه مظاهر را در حال بازگشت به سوی خدا می بیند و اهل بیت (علیهم السلام) را مظهر اسم اعظم الهی و مظهر اسماء و صفات الهی می داند. امام خمینی (ره) حضرت فاطمه (س) را به عنوان یکی از مصادیق بارز انسان کامل، تجلی گاه همه ی کمالات انسانی و در واقع موجودی ملکوتی می داند که به صورت انسان در عالم ملک ظهور کرده است.

مراد آن است که حضرت فاطمه زهرا (س) ملک و ملکوت و کمالات عالم وجود را به نحو کامل دارا بوده اند، زیرا آن حضرت پاره ی وجود پیامبر (ص) و کامل ترین الگوی ولایت مداری است. با توجه به حقایق یاد شده مثل و مانند فاطمه در تاریخ نیامده و نخواهد آمد؛ به همین دلیل است حضرت امام (ره) بر این اعتقاد است که تمام هویت انسانی، در فاطمه (س) جلوه کرده است؛ چرا که ایشان بنا به قول امام خمینی (ره) برترین الگوی ساده زیستی نیز می باشد و در ساده ترین محیط توانسته شایسته ترین فرزندان را تحویل جامعه دهد.

بنابراین وظیفه ی امت پیغمبر (ص) نسبت به حضرت فاطمه (س) مودت و محبت است. چرا که مودت حضرت فاطمه (س) از جانب خداوند به عنوان حکمی از احکام حق تعالی، به صورت برنامه ای عظیم تا ابد برای امت، لازم و واجب شده است و خداوند تبارک و تعالی این حکم را به پاس زحمات پیغمبر اسلام (ص) اجر و مزد او قرار داده است. اگر همه ی این احکام از طرف پیغمبر اکرم (ص) رعایت می شد و مردم در اجرای فرمان خداوند، به پیغمبر اکرم (ص) یاری می رساندند و نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) درست عمل می کردند، در سفارشات و توصیه های مکرر او نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) و ذی القربی چنگ می زدند و آن ها را رعایت می نمودند، با علی (ع) در مسیر ولایت که بوسیله پیغمبر (ص) طراحی شده بود، مانع تراشی و آزار و اذیت نداشتند، بعد از رحلت پیامبر (ص) حضرت فاطمه (س) را هم اذیت و آزار نمی دادند، حتماً جامعه ی اسلامی سرشار از خیر و برکت می شد. ولی مردم برخی از تکالیف را من جمله خواست پیغمبر اکرم (ص) مبنی بر اینکه من از شما هیچ چیزی را نخواستم مگر محبت به زهرا سلام الله را، معکوس فهمیدم. اما متأسفانه این امر رسول خدا (ص) امتثال نشد هر چند دست فاطمه (س) از علی (ع) کوتاه شد، ولی از دست آن آدم های غدار بالا شد و روی اشرار عالم از نفرین حضرت فاطمه زهرا (س) سیاه شد.

منابع

- قرآن کریم
- الأربلی، ابوالحسن علی بن عیسی. (۱۳۶۴ش). کشف الغمه فی معرفه الأئمه، نشر تهران، ادب الحوزه و کتابفروشی اسلامیة، تهران.
- بامری، سلیمان. (۱۳۸۸ش). همتای علی(ع)، گفتارهایی پیرامون حضرت فاطمه^(س)، انتشارات رسول، چاپ اول، بندرعباس.
- بحرانی، عبدالله. (۱۴۱۶ق). عوالم العلوم و المعارف، موسسه الامام المهدی (عج)، قم.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد. (۱۳۷۰ش). نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- جواد آملی، عبدالله. (۱۳۶۹ش). پیرامون وحی و رهبری، انتشارات الزهراء، تهران
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). مستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، بیروت.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۵ش). نصوص الحکم بر فصوص الحکم، انتشارات مرکز فرهنگی رجاء، تهران.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۹ش). شرح فص حکمه عصمتیه فی کلمه فاطمیه، انتشارات طوبی، تهران.
- خلخالی، موسی. (۱۳۸۳ش). شرح مناقب (مناقب اثنا عشر تألیف محی الدین عربی)، تصحیح مهری افتخاری، انتشارات مطبوعات دینی.
- خمینی، روح الله. (۱۳۷۹ش). صحیفه امام (مجموعه ۲۲جلدی)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) چاپ سوم، تهران.
- خمینی، روح الله. (۱۳۸۵ش). ولایت فقیه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران.
- خمینی، روح الله. (۱۳۸۹ش). آداب الصلوه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ هفدهم، تهران.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۳ق). الدر المنثور، دارالفکر، بیروت.
- شیخ طوسی (۱۳۸۵). الغیبه، نشر مکتبه نصرتی، قم.
- صادقی ارزگانی، محمد امین. (۱۳۸۷ش). سیمای اهل بیت (ع) در عرفان امام خمینی (ره)، انتشارات عروج، وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) چاپ اول، تهران.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۶۶ش). تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ دوم.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۹۳ق). اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۳ق). دلائل الامامه، موسسه البعثه، تهران.
- قمی، ابوالحسن علی. (۱۳۷۸ش الف). تفسیر القمی، موسسه دارالکتاب، قم.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۷۸ش ب). کلیات مفاتیح الجنان، با تصحیح حسین استاد ولی، انتشارات قدیانی، چاپ چهارم، تهران.

- کلینی رازی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۱ق). الکافی، با تصحیح علی اکبر غفاری، دارالصعب، دارالتعارف، چاپ چهارم، بیروت.
- لاهوری، محمد اقبال. (۱۳۴۳ش). کلیات اشعار فارسی، انتشارات کتابخانه ی سنایی، تهران.
- لاهیجی، عبدالرزاق. (۱۳۷۲ش). گوهر مراد، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۳). مرآة العقول، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۴۲۱ق). موسوعه الامام علی بن ابی طالب، انتشارات دارالحديث، قم.
- ملاصدرای شیرازی، صدرالدین. (۱۳۶۳ش). مفاتیح الغیب، تصحیح: محمدخواجهی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- ملاصدرای شیرازی، صدرالدین. (۱۳۷۰ش). شرح اصول الکافی، مع تعلیقات للمولی علی النوری، با تصحیح محمد خواجهی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.